جنگ سرد انرژی در راه است

شمشیر گازی پوتین

ترجمه: مینو منقولیان

حملاتی که ظرف چند ماه گذشته از سوی واشنگتن علیه کرملین صورت گرفته است را می توان چون یک رویداد غیرطبیعی از نقطه نظر استانداردهای جنگ سرد تلقی کرد. کاخ سفید بی درنگ، از آناتول لابون، یکی از نخبگان برجسته آمریکایی در روسیه خواستار پاسخگویی به یک سؤال اساسی به این مضمون شد: «چرا آنها در صدد برافروزی دوباره جنگ سرد هستند؟»

تمام ماجرا پس از آن شروع شد که شورای روابط خارجی آمریکا در پنجم مارس گزارش ۹۴ صفحه ای خود را تحت عنوان «مسیر اشتباه روسیه: ایالات متحده چه اقدامی می تواند و باید انجام دهد» منتشر کرد. از این گزارش چنین می توان نتیجه گرفت که سیاست های خارجی و داخلی روسیه در مسیری قرار گرفته اند که منافع جهانی ایالات متحده را خدشه دار می کند؛ و اینکه دیگر بیش از این ادامه روابط ایالات متحده - روسیه ممکن و محتمل نیست؛ همچنین بر این اساس ایالات متحده بایستی سیاست متناسب و متعادل غربی چون «همکاری و تشریک مساعی منتخب» را که نوع متفاوتی از سیاست تشنج زدایی در دوران سال های جنگ سرد است را در برابر روسیه پیش گیرد. یک هفته بعد ابعاد تازه ای از این حملات شکل گرفته و ظاهر شد. بدین ترتیب که گزارش سالانه حقوق بشر که توسط وزارت خارجه چاپ شد، شدیداً و به طور گسترده «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهوری روسیه را به باد انتقاد تند خود گرفته بود. محدودیت رسانه ها و حق پوتین برای سانسور آنها از یک سو و وجود فساد، برخورد گزینشی در اجرای قانون، فشار سیاسی بر سیستم قضایی و ایجاد مزاحمت و اشکال تراشی در کار برخی سازمان های غیردولتی روسیه از سوی دیگر مواردی است که در این گزارش به آن استناد شد.

ظرف یک هفته پس از این ماجرا، در ۱۶ مارس در برنامه کار کاخ سفید که استراتژی امنیت ملی خوانده می شد، گام دیگری در جهت شدت یافتن انتقادات از مسکو برداشته شد، بدین ترتیب که نه تنها مسکو را به احترام به آزادی در داخل این کشور فرامی خواند، بلکه مشخصاً به پوتین هشدار می داد که «تلاش های کرملین برای جلوگیری از توسعه دموکراتیک در داخل و خارج به گسترش روابط روسیه با ایالات متحده، اروپا و همسایگان این کشور آسیب می زند. همان روز «کاندولیزا رایس» وزیر خارجه آمریکا در دیداری که از استرالیا داشت از نگرانی خود در باب «متمرکز شدن قدرت در کرملین» سخن راند. رایس در حالی که در برابر حضار سالن شهرداری سیدنی سخن می گفت، اظهار کرد، برای دموکراسی روسی هم اینک مسیر را بسیار دشوار و منزلزل می بیند. او اظهار امیدواری کرد که مردم روسیه بتوانند صدای خود را به مؤسسات معتبر و مربوطه برسانند و بتوانند توانایی لازم برای سازماندهی خویش جهت دادخواست ها از دولت یا در صورت لزوم تغییر آن به دست آورند. لابون در مقاله ای که در تاریخ ۱۸ مارس در لس آنجلس تایمز تحت عنوان «تغییر رژیم در روسیه» منتشر شد به ذکر مطالبی پرداخته است که به طور حتم برای تاریخ نگاران در آینده، نگاهی به آن حیرت و شگفتی را به همراه خواهد داشت. وی نوشت: «تندروین در دولت بوش وخصوصاً در دفتر «دیک چنی» معاون رئیس جمهور، در حال رایزنی برای به راه اندازی موج جدیدی علیه مسکو هستند که به مثابه نوع خفیف تری از جنگ سرد، بر ضد مسکو است». همچنین افزود: کاخ سفید طرفدار تشکیل «پیمان ها و اتحادهای نظامی ضدمسکو» بوده و مخالفان سیاسی داخلی پوتین را «تحت حمایت فوق العاده» خود قرار خواهد داد. لابون به جنبه های دیگری از سیاست های «غیر واقع بینانه، خصمانه و خطرناک» آمریکا در برابر روسیه پرداخت. خصوصاً موعظه های شدیداللحن در باب دموکراسی، و حمایت آمریکا از دموکراسی دروغین «یورس پلتسین» که توسط عده قلیلی از حاکمان فاسد وستمگر رهبری می شد. این حملات ممکن است ناپهنگام و بی موقع مطرح شده باشند. روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از هرگونه مواجهه و درگیری با ایالات متحده در عرصه بین المللی اجتناب کرده است. حتی در مواجهه با توسعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به سمت شرق و طیف جدیدی از حلقه محاصره نظامی فعال و بی سابقه توسط آمریکا در نزدیکی مرزهای خود.

به علاوه اگر پوتین در نقطه اوج قدرت خود در دوران ریاست جمهوری اش قرار دارد، این مسأله عمدتاً به موجب محبوبیت عمیق او در میان آحاد جمعیت مردمی روسیه است که خود حاصل یک مجموعه اقدامات موفقیت آمیز او در زمینه بهبود اقتصاد کشور، ثبات سیاسی مورد نیاز و دستاوردهای سیاست خارجی بوده است. برای اینکه به میزان موفقیت او پی ببریم کافی است نگاهی به پیشرفت و بهبود اقتصاد روسیه علی الخصوص در سال های اخیر داشته باشیم و به میزان مازاد بودجه برای پنج سال متمادی و پی درپی توجه کنیم؛ روسیه ذخایر ارزی خارجی خود را به ۱۸۰ میلیارد دلار آمریکا رسانده است؛ و موفق شده است بازپرداخت بدهی خود را زودتر از زمان مقرر بپردازد؛ اقتصاد روسیه مسیر تکاملی خود به سوی اقتصاد جهانی را شروع کرده است. اما با این حال روسیه امروز به یک ابرقدرت نبوده و دشمن هیچ کسی نیز نیست. به علاوه همچنان میزبان مشکلات داخلی خود می باشد که برخی از آن مثل کاهش جمعیت و عدم صلاحیت حکومت در مناطق قفقاز شمالی بسیار عمیق و ریشه دار بوده و به آسانی نمی توان برای آنها چاره ای اندیشید.

با این وجود، دلایل پیدایش روند خصمانه فعلی آمریکا بر ضد روسیه پس از فروپاشی شوروی چیست و چه معنایی دارد؟ مشکلی که در یافتن پاسخ مناسب برای این سؤال وجود دارد این است که هنوز ریشه های شروع جنگ سرد از بسیاری جهات نامعلوم و نامشخص است. طرح ادعای «توسعه و گسترش کمونیست» در سال های بعد از جنگ جهانی دوم، عملاً منتهی به آغاز برخورد و درگیری سیاست های انگلیسی - آمریکایی با اتحاد جماهیر شوروی شد، اما از نظر نخبگان تاریخ نگاری چون «جوج کینان»، حرکت به سمت جنگ سرد، یک پروسه دو طرفه بود. امروزه بسیاری خواهان پذیرش و قبول این نکته هستند که واشنگتن و لندن بیشترین سرزنش و عتاب را در این باره متحمل می شوند. اما این در حالی است که نقش بی پایان و پیوسته انگلو - آمریکایی در راستای حفظ کنترل منابع و ذخایر عظیم نفتی جهان، عمدتاً بدون تغییر باقی مانده است.

مسیرهای خطا در پهنه سیاست جهانی:

در نشست وزرای انرژی که در ۱۳ و ۱۴ مارس گذشته در مسکو برگزار شد، خط مشی های اشتباه رایج در سیستم بین المللی مورد بحث و گفت و گو قرار گرفتند. در این نشست، دیگر تزهای روسیه در گروه هشت نیز در نشستی که مقدمه و پیش درآمد اجلاس G8 در جولای آینده در سن پترزبرگ است، حضور داشتند، جایی که روسیه مسأله امنیت انرژی را به عنوان اولویت شماره یک مطرح کرده و روی میز کار قرار داد. خلاصه آنکه، نتایج نشست وزرای انرژی G8 حاکی از آن بود که روسیه بخش انرژی خود را به عنوان یک ذخیره دارایی امنیتی - ملی می داند.

کرملین هرگز مایل به از دست دادن سیطره خود بر صنعت نفت و گاز نیست، در حالی که اتحادیه اروپایی خواهان آزادی بیشتر غربی ها برای دستیابی به شبکه خطوط گاز هستند. آنها همین طور از کرملین می خواهند که توجیحاً مانند سالهای اولیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یعنی روسیه تحت حاکمیت بلتسین به سمت خصوصی سازی صنعت نفت گام بردارد، یا اینکه حداقل به کمپانی های نفتی غربی اجازه مشارکت در پروژه های نفتی را بدهد.

> کرملین هرگز مایل به از دست دادن سیطره خود بر صنعت نفت و گاز نیست، اما اتحادیه اروپایی و آمریکا خواهان آزادی بیشتر غربی ها برای دستیابی به شبکه خطوط گاز روسیه هستند

اتحادیه اروپایی و آمریکا، امنیت انرژی را در سایه تضمین تأمین انرژی مورد نیاز خود در هنگام وقوع فراز و نشیب های زندگی می بینند، در حالی که روسیه معتقد است، مدل صحیح از امنیت انرژی همچنین دربرگیرنده تضمین و اطمینان حاصل کردن از «امنیت تقاضا» است، بدین معنا که کمپانی های نفتی و گازی روسیه اجازه سرمایه گذاری در شبکه های توزیع گسترده اروپا و ایالات متحده را به طور کامل داشته باشند و همچنین در زمینه بازاریابی متنوع و در بخش انرژی به مالکیت مورد نیاز دست یابند که این امر خود مستلزم آن است که آمریکا و اتحادیه اروپایی بازارهای انرژی خود را آزاد و لیبرالیزه کنند. گفتنی است، قاره سبز و ایالات متحده در مورد تأمین منافع خود در کشورهای مصرف کننده انرژی و یا ترانزیت و صادر کننده نفت اینگونه تصور می کنند که دچار اصطکاک شدیدی با مسکو هستند، چرا که روسیه از اقدام به سیاست های کلیشه ای و یکنواخت در زمان (برهه) جهانی سازی امتناع می ورزد.

این اختلاف نظرها هم از دیدگاه خاص آمریکا ناشی می شود مبنی بر اینکه روسیه به طور فزاینده ای از ابزار انرژی به مثابه یک اهرم در سیاست خارجی خود استفاده می کند و نقش رو به رشد روسیه در بازارهای جهانی انرژی نفوذ ژئوپلیتیکی این کشور را تثبیت و تقویت می کند. به عبارت دیگر، باور غربی ها بر این است که به دست گرفتن بازار انرژی توسط کرملین راهی بسیار مثمرثمرتر و ارزان تر برای افزایش و گسترش نفوذ جهانی این کشور است تا نگهداری تانک ها و موشک هایی که اتحاد جماهیر شوروی به بهای گزاف آنها را در انبارهای خود انباشته می کرد. اعمالی که موجب تحلیل منابع شده و نهایتاً منجر به تضعیف ساختار دولتی اتحاد جماهیر شوروی گردید. ورای این شاخصه ها، آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت، در مواجهه با یک روسیه طغیانگر و سرکش، دست به گریبان مشکلات روان شناختی است. چنانچه، «ویتالی ترتیاکوف» سردبیر نشریه ای تحقیقاتی و یکی از ناظران معتبر و شناخته شده سیاسی روسیه، اخیراً نوشته است، «روسیه اگرچه امروزه همانند اتحاد جماهیر شوروی یک ابرقدرت جهانی نیست، اما بسیاری از قابلیت ها و توانایی های یک ابرقدرت را برای خود حفظ کرده است. قلمرو بسیار گسترده و پهناور، منابع طبیعی عظیم، سلاح های هسته ای، تکنولوژی فضا، پتانسیل و نیروی بالقوه علمی و دانشمندان، تکنولوژی اتمی و منابع انرژی، دارا بودن یک صنعت دفاعی که به طور فعال در منطقه فعال است، صادرات این کشور کار می کند... و عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل از این جمله هستند.» اما مسکو شرایط را به گونه ای متفاوت می بیند. چنان که نگرانی اش از تهدیدات پیرامون خود را در «مفهوم امنیت ملی ۲۰۰۰» که در پایان پخت آذربایجان، با کو گذر کرده و به بندر جیحان در ساحل مدیترانه ای ترکیه رسیده و از گرجستان نیز می گذرد. انتظار می رود، «جورج بوش» رئیس جمهوری آمریکا نیز در سال جاری ملاقاتی از فرقانستان داشته باشد. از سوی دیگر ایالات متحده بی صبرانه منتظر وضع قوانینی در روسیه است که قوانین جدید و روشن برای سرمایه گذاری شرکتهای نفتی آمریکایی در منابع طبیعی روسیه را اعلام کند. پوتین چندی پیش در سخنرانی خود در کنفرانس انجمن محرمانه وزرای انرژی G8 مسکو اعلام نمود که، «شرایط آسان، شفاف و قابل پیش بینی» برای سرمایه گذاریهای خارجی فراهم خواهد شد. اما از نگاه روسیه دلیلی وجود ندارد که اصلاح و وضع قوانین جدید در راستایی باشد که شرایط مناسبی برای آمریکا به وجود آورد. روسیه تصمیم ندارد به مثابه ضمیمه و پیوست انرژی باقی بماند. بلکه انرژی روسیه مطمئناً خواهان ترقی و پیشرفت تکنولوژیکی و رسیدن به استانداردهای غربی است، اما همانطور که پوتین در مقاله اش که اخیراً در وال استریت ژورنال چاپ شده، اشاره کرد، «خودسازی انرژی، مسیری است که راه به جایی نمی برد.» به هر حال، روسیه از جاذبه بیکران بخش انرژی خود در جامعه جهانی آگاه است. روسیه می داند این واقعیت ها و موقعیت های موجود توجه سرمایه گذاران خارجی را جلب می کند. یک مسأله مهم دیگر این است که «نظم انرژی جهانی» خود در حال تغییر و تحولات شگرف است. «وصرف کننده و بلعنده عظیم انرژی در آسیا، چین و هند، نیز طرحهای بلندپروازانه ای در خرید سهام در بخش تولید کنندگان نفتی روسی در سر می پرورانند. آنها خواهان دستیابی به منابع نفتی در سیبری، شرق دور و ساخالین هستند و این دقیقاً در زمانی صورت می گیرد که غرب نیز درصدد افزایش حضور خود در بخش انرژی روسیه است. اما پوتین در مقاله مذکور خود به این نکته تأکید ورزیده است که روسیه سیاستی را در زمینه انرژی پیش خواهد گرفت که پیش از همه برای مسکو سودمند باشد. او گفته است: «ما معتقدیم توزیع انرژی که هم اکنون تماماً در اختیار و کنترل گروه کوچکی از پیشرفته ترین کشورها قرار دارد در خدمت اهداف و مقاصد توسعه و پیشرفت جهانی نیست. ما شدیداً در تلاشیم تا یک سیستم امنیتی - انرژی ایجاد کنیم که به منافع و تمایلات تمامی جامعه بین المللی حساس و پاسخگو باشد.»

ادامه دارد

ذخیره ای از ۳/۲۰۵۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی و ۳۰/۹۸ میلیون تن گاز تغلیظ شده (چگالیده) را در بر می گیرد، پنج غول نفتی را دعوت به همکاری کرد. این شرکتها شامل شورون و کونوکو فیلیپس از ایالات متحده، هیدرو و استاتویل از نروژ و توتال از فرانسه بودند. ایالات متحده خواهان پیشرفت در این پروژه ۱۵ میلیارد دلاری اشتوک می باشد. ۲۵ درصد تولید گاز طبیعی مایع (LNG) اشتوک من احتمالاً به ایالات متحده و مابقی به اروپا صادر می شود. اما حال این بسته به تصمیم روسیه است و این احتمال وجود دارد که مسکو اولویت خود را بازار اروپایی قرار دهد، مگر آنکه واشنگتن متقابلاً به شرکت های نفتی روسیه اجازه ورود به شبکه بازاریابی بسیار پرمنفعت خود را بدهد و همین طور تسهیلات سرمایه گذاری و ارتقا و پیشرفت تکنولوژی در صنعت ساخوردنه نفت روسیه را فراهم آورد.

ضلع دیگری از این منازعه و درگیری میان رابطه آمریکا، اروپا و روسیه زمانی آشکار شد که مسکو حق انحصاری خود در مسیرهای ترانزیت به سوی کشورهای مصرف کننده را از دریای خزر (کاسپین) و منطقه آسیای میانه را توسعه داد. این بدان معناست که اروپا از این پس وابستگی دوجانبه ای به روسیه خواهد داشت. هم برای منابع انرژی روسیه و هم از جهت امکانات و تسهیلات میانجی (واسطه) این کشور در زمینه این منابع.

از دیگر سو میدان نفتی قزاقستان، که بزرگترین میدان کشف شده ساحلی در ۳۰ سال گذشته است، تا اواخر این دهه به بهره برداری می رسد. مسیرهای صادرات از قشقان به زودی مشخص می گردند. در این باب دوانتخاب وجود دارد. یک مسیری که موجب تحکیم و تقویت هر چه بیشتر حق انحصاری روسیه می شود و گزینه دوم خط لوله باکو - جیحان است که آمریکا آن را مطلوب می داند. آمریکا درصدد متقاعد کردن قزاقستان برای برگزیدن گزینه باکو - جیحان است که از پایتخت آذربایجان، باکو گذر کرده و به بندر جیحان در ساحل مدیترانه ای ترکیه رسیده و از گرجستان نیز می گذرد. انتظار می رود، «جورج بوش» رئیس جمهوری آمریکا نیز در سال جاری ملاقاتی از قزاقستان داشته باشد.

از سوی دیگر ایالات متحده بی صبرانه منتظر وضع قوانینی در روسیه است که قوانین جدید و روشن برای سرمایه گذاری شرکتهای نفتی آمریکایی در منابع طبیعی روسیه را اعلام کند. پوتین چندی پیش در سخنرانی خود در کنفرانس انجمن محرمانه وزرای انرژی G8 مسکو اعلام نمود که، «شرایط آسان، شفاف و قابل پیش بینی» برای سرمایه گذاریهای خارجی فراهم خواهد شد. اما از نگاه روسیه دلیلی وجود ندارد که اصلاح و وضع قوانین جدید در راستایی باشد که شرایط مناسبی برای آمریکا به وجود آورد. روسیه تصمیم ندارد به مثابه ضمیمه و پیوست انرژی باقی بماند. بلکه انرژی روسیه مطمئناً خواهان ترقی و پیشرفت تکنولوژیکی و رسیدن به استانداردهای غربی است، اما همانطور که پوتین در مقاله اش که اخیراً در وال استریت ژورنال چاپ شده، اشاره کرد، «خودسازی انرژی، مسیری است که راه به جایی نمی برد.» به هر حال، روسیه از جاذبه بیکران بخش انرژی خود در جامعه جهانی آگاه است. روسیه می داند این واقعیت ها و موقعیت های موجود توجه سرمایه گذاران خارجی را جلب می کند. یک مسأله مهم دیگر این است که «نظم انرژی جهانی» خود در حال تغییر و تحولات شگرف است. «وصرف کننده و بلعنده عظیم انرژی در آسیا، چین و هند، نیز طرحهای بلندپروازانه ای در خرید سهام در بخش تولید کنندگان نفتی روسی در سر می پرورانند. آنها خواهان دستیابی به منابع نفتی در سیبری، شرق دور و ساخالین هستند و این دقیقاً در زمانی صورت می گیرد که غرب نیز درصدد افزایش حضور خود در بخش انرژی روسیه است. اما پوتین در مقاله مذکور خود به این نکته تأکید ورزیده است که روسیه سیاستی را در زمینه انرژی پیش خواهد گرفت که پیش از همه برای مسکو سودمند باشد. او گفته است: «ما معتقدیم توزیع انرژی که هم اکنون تماماً در اختیار و کنترل گروه کوچکی از پیشرفته ترین کشورها قرار دارد در خدمت اهداف و مقاصد توسعه و پیشرفت جهانی نیست. ما شدیداً در تلاشیم تا یک سیستم امنیتی - انرژی ایجاد کنیم که به منافع و تمایلات تمامی جامعه بین المللی حساس و پاسخگو باشد.»

ادامه دارد

گورباچف: بوش در مسیری اشتباه گام بر می دارد

ترجمه: بنفشه غلامی

> آمریکا از اینکه تنها کشور ابرقدرت دنیا است، سرمست است اما باید از این حالت خارج شود، زیرا به همان اندازه که قدرت دارد، باید حس مسؤولیت نیز داشته باشد

از نگاه برخی کارشناسان، «میخائیل گورباچف» رهبری است که فضای باز سیاسی و پررونق اقتصادی را برای اتحاد جماهیر شوروی سابق به ارمغان آورد و این کشور را از بند کمونیسم سوق داد.

اما مخالفان این نظر بر این باورند که وی با چند اشتباه در قالب اصلاحات باعث فروپاشی شوروی و پایان جهان دو قطبی شد. چندی قبل در جشن تولد ۷۵ سالگی گورباچف، هلموت کهل و هانس دیتریش رئیس دولت و وزیر خارجه پیشین آلمان شرکت کردند و جورج بوش پدر برایش یک تبریک ویدئویی فرستاد.

منتقدان آخرین رهبر شوروی در دوران جنگ سرد معتقدند وی با خطاهای خود، تحولات را به نفع آمریکا رقم زد و باعث شد تنها واشنگتن پیروز فروپاشی شوروی شود. به اعتقاد این گروه پیام تبریک بوش پدر نیز به همین دلیل است که کشورش بیشترین سود را از اقدامات گورباچف برده است. در هر حال وی اکنون به دور از سیاست، بیشتر زمان خود را با دخترش «ایرینا» و دو نوه اش سپری می کند و خود می گوید حالا تنها موضوع مورد علاقه اش آشپزی است، بویژه طرز پخت غذاهای روسی و مدیترانه ای.

مجله تایم گفت وگویی در مورد کتاب جدید گورباچف با نام «رونق اقتصادی» و روسیه تحت رهبری پوتین انجام داد که در پی می آید:

چرا کتاب جدیدتان را درباره «رونق اقتصادی» (پروسترویکا) نوشتید؟

به نظر من مراحل ابتدایی پروسترویکا که در سال ۱۹۸۵ در شوروی سابق صورت گرفت یکی از سه واقعه مهمی است که در تاریخ اتحاد جماهیر شوروی روی داد. دو واقعه دیگر، انقلاب ۱۹۱۷ و پیروزی در جنگ جهانی دوم بودند. در بیستمین سالگرد پروسترویکا فکر کردم که باید درباره این مسأله مهم بیشتر حرف زد و آن را شرح داد. البته بحث های تند و تیزی در روسیه در مورد پروسترویکا مطرح می شود. گاهی اوقات به مردم گفته می شود که رونق اقتصادی چیز بدی برای شوروی بوده است. اما ۷۷ درصد مردم روسیه در نظرخواهی هایی که از آنها شده، می گویند، می خواهند در کشوری آزاد و دموکرات زندگی کنند. این میراث «پروسترویکا» است.

چه کسانی فکر می کنند «پروسترویکا» برای شوروی بد بوده است؟

سربازان قدیمی، کمونیست های سابق، متصدیانی که از سبکی قدیمی پیروی می کنند. خوب می دانم که آنها در شرایط فعلی زندگی سختی را می گذرانند و به عبارتی در روسیه امروز، زندگی برای بعضی ها سخت است. اما من از آنها می خواهم یک بار دیگر به مسأله خوب بیندیشند.

فکر می کنید مشکلات کنونی موجود در زندگی بسیاری از روس ها از کجا ریشه می گیرد؟

«یلتسین» کشور را ویران کرد. او کاری کرد که موجب شد ثروت کشور در دست عده معدودی قرار گیرد. این در حالی است که غرب هرگز او را مورد انتقاد قرار نداد. من فکر می کنم در حال حاضر «ولادیمیر پوتین» در حال درست کردن آشفته بازاری است که یلتسین به وجود آورده بود.

آیا پوتین مسیر درستی را طی می کند؟

پوتین سعی می کند با حرکتی رو به جلو سیاست جمهوری دموکراتیک را در پیش گیرد تا بهداشت، تحصیلات و چیزهایی نظیر آنها را گسترش دهد. اما درست به همان اندازه که مسکو می خواهد به چنین چیزی برسد، غرب آن را نمی پذیرد. آمریکا از اینکه تنها کشور ابرقدرت دنیا است، سرمست است. به همین جهت نیز می خواهد خواست و اراده خود را تحمیل کند. اما باید از این حالت خارج شود. زیرا به همان اندازه ای که قدرت دارد، باید حس مسؤولیت نیز داشته باشد.

به نظر می رسد آمریکا در مورد برخی چیزها که در روسیه در جهت ضددموکراسی گسترش داده می شوند، نگران است. منظور چیزهایی مثل کنترل رسانه ها است.

آمریکا باید هم نگران چیزهایی باشد که مردم روسیه نگران آنها نیستند. بله، رسانه ها تحت برخی فشارها قرار دارند و برخی روشهای تحمیلی بر مطبوعات نیز وجود دارد. اما این چیزی نیست که مردم به آن اهمیتی بدهند ،دموکراسی شکننده است.

آیا فکر می کنید، در حال بازگشت به سمت جنگ سرد هستیم؟

من فکر می کنم در این میان برخی هستند که «بوش» را به سمتی اشتباه سوق می دهند. به نظر می رسد فعلاً ایالات متحده می تواند خواست های خود را بر دیگران تحمیل کند. این بحث حملات پیشگیرانه، نادیده گرفتن شورای امنیت سازمان ملل و قراردادهای قانونی جهان همگی به سمت و سویی تاریک هدایت می شوند.

تسلیت

به نام خالق هنر، دانش و فرهنگ

سرکار خانم خاتمی

عضو محترم هیأت مدیره گروه فرهنگی هدف

رحلت جانسوز پدر گرامیتان مرحوم **دکتر سید علی خاتمی** استاد علم و عمل و یکی از بنیانگذاران گروه فرهنگی هدف را که پس از عمری خدمت صادقانه به جامعه فرهنگی کشور به دیار باقی شتافتند را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می نماییم.

مدیریت و کارکنان آمادگی و دبستان غیر انتفاعی پسرانه گروه فرهنگی هدف (۱۷ شهریور)

از توئیم و به سوی تو باز خواهیم گشت

سرکار خانم خاتمی

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته، علو درجات آن مرحوم، سلامتی و طول عمر جنابعالی و بازماندگان محترم را از درگاه خداوند متعال خواهانیم.

فرزاد و فرهاد فروزش
دکتر فریبا فرهنگ

شرکت محترم فولیران

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت جناب آقای **مهندس فریدون فرجاد** مدیریت محترم عامل آن شرکت را صمیمانه تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان و همکاران آن سعید فقید را خواستاریم.

مدیریت و کارکنان شرکت آسفالت طوس

هوالباقی

سرکار خانم خاتمی

با تأسف فراوان درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند رحمان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان معزز سلامتی و طول عمر با عزت و سعادت مسألت می نماییم.

انجمن اولیاء و مربیان دبستان غیر انتفاعی پسرانه هدف (۱۷ شهریور)

جناب آقای مهندس علی اکبر قاسمی نراقی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده و از درگاه احدیت برای آن مرحومه علو درجات و برای خانواده و سایر بازماندگان صبر جمیل مسألت می نماییم.

مدیریت شرکت ساختمانی رک